

The problem of Categorization in the Study of the Social history of Daily Life

Neda Honarmandi*

Mohamadali Ranjbar**


Abstract

Due to Traditional historiography studies on great men's lives and the relation between power and politics, categorization has not been directly approached methodologically with social- demographic criteria. However, the emergence of contemporary social-history and especially the prevalence of daily-life studies in this area, has shed lights on the subject of categorization. Hence, it gained a high level of importance in demographic issues and the relation between demography and social-history subjects. The aim of this study, however, is to explain the methodological importance of categorization in social-history studies, by examining and comparing selected categorizations in several daily-life types of research in the West and Iran. The main question of this research is how daily-life researchers have selected and organized their categories? what factors were included? What inspired them to go after a specified categorization or what had influenced them? Also, is it possible to provide a single categorization method for all historical periods with different geographical and cultural coordinates? It is assumed that historians of this field -relying on hermeneutic methods, considering the political, social, cultural and historical conditions of each period, and their variables- have made a proportional categorization. In this study, by comparing selected categorizations in some researches on daily life's history in the West and Iran, we have documented some methods for categorization while finding out the logic and criterion behind them to make sense of these categorizations. What we have found in this study, is that the author's research status, intention, requirements, and priorities in each historical

* Phd Student of History, Shiraz University, Shiraz, Iran, nedahonarmandi@gmail.com

** Associated Professor of History, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding Author),
ranjbar@shirazu.ac.ir

Date received: 14/12/2020, Date of acceptance: 28/12/2021

 Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

period determine their approach to the matter of categorization. Finally, this article proposes a new method called “Daily-graphy”. A method in which the historiography of daily life is based upon the mode, subject, and scope of research.

KeyWords: Daily Life, Categorization, Social Category, Dailygraphy



مسأله مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی زندگی روزانه

ندا هنرمندی*

محمدعلی رنجبر**

چکیده

تاریخ‌نگاری سنتی به اقتضای موضوعش که مطالعه زندگی مردان بزرگ و مناسبات قدرت و سیاست بود به‌طور مستقیم با مقوله‌های اجتماعی/جمعیتی به‌عنوان یک مسأله روش‌شناختی درگیر نبوده ولی پیدایش تاریخ اجتماعی نوین در دهه‌های اخیر و به‌ویژه رواج مطالعات زندگی روزانه در این حوزه، مقوله‌بندی را هم در سطح جمعیتی و هم در قبال مضامین مورد پژوهش در زندگی این جمعیتها، حایز اهمیت ساخت. مسأله این پژوهش تبیین اهمیت روش‌شناختی مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی، با بررسی و مقایسه مقوله‌بندیهای انتخاب شده در شماری از تحقیقات زندگی روزانه در غرب و ایران است. پرسش اصلی این پژوهش نیز این است که محققان تاریخ زندگی روزانه چگونه و با توجه یا تحت تاثیر چه عواملی مقوله‌های تحقیق خود را انتخاب کرده و سامان داده‌اند؛ همچنین آیا می‌توان برای تمام ادوار تاریخی با شرایط جغرافیای و فرهنگی متفاوت، شیوه مقوله‌بندی واحدی را ارایه داد؟ فرض بر این است که مورخان در این زمینه با اتکا به روش‌های هرمنوتیکی و همچنین با در نظر گرفتن شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی هر دوره و متغیرهای مورد بررسی‌شان، دست به مقوله‌بندی متناسب زده‌اند. در این بررسی با مقایسه مقوله‌بندیهای انتخاب‌شده در شماری از تحقیقات تاریخ زندگی روزانه در غرب و ایران، شیوه مقوله‌بندی و نیز منطق و ملاک معنادارسازی این مقوله‌بندیها را بازشناسی کرده‌ایم. در این پژوهش معلوم شده که حالت پژوهش و قصد مولف و مقتضیات و اولویتهای مقوله‌ای در زندگی واقعی روزانه در هر دوره از مهمترین

* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، nedahonarmandi@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)، ranjbar@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰



عوامل تعیین‌کننده شیوه مقوله‌بندی در این مطالعات بوده‌اند؛ در پایان این مقاله شیوه متفاوتی را تحت عنوان مدل روزنگری در تاریخنگاری زندگی روزانه در تناسب با حالت و موضوع و محدوده پژوهش پیشنهاد کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: زندگی روزانه، مقوله‌بندی، مقوله اجتماعی، روزنگری.

۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری سنتی از دوران قدیم تا اواخر قرن بیستم میلادی معطوف به شرح جنگها، و شرح حال شاهان و طبقه اشراف و خواص و نخبگان سیاسی و نظامی و گاه فرهنگی بود که به‌طور مستقیم به موضوع غالباً منفرد خود می‌پرداخت و معمولاً سیر زندگی یک فرد برتر (به تعبیر کارلایلی: مرد بزرگ) را از نخستین زمانی که درباره‌اش داده‌هایی یافت می‌شد (مثلاً از دوره کودکی‌اش یا حتی پیش از تولدش) تا پایان عمر او گزارش می‌کرد (نک Carlyle ۲۰۰۱: ۲-۶). قالبهای این دست گزارشها البته می‌توانست بسته به رهیافتهای و رویکردهای مورخ و شرایط سیاسی و اجتماعی و مولفه‌های دیگری که بر سبک و روش تاریخ‌نگاری در همه دوره‌ها دخیل بوده‌اند، متفاوت باشد ولی از آنجا که موضوع اصلی در این تاریخ‌نگاری، افراد یا جوامع کوچکی از افراد (اشراف، جنگجویان، زمینداران بزرگ، زنان دربار و جمعیت‌های محدود و مشخص از این دست) بودند و نه جامعه بزرگی از افراد به صورت نامشخص و مبهم، «مقوله‌بندی» در این میان موضوعیت و اهمیتی نیافت یا دست‌کم توجه به مقوله‌ها در سنت قدیم تاریخ‌نگاری، به یک مساله تبدیل نشد.

اما با پیدایش تاریخ اجتماعی نوین در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی، در کنار شیوه‌ها و نگرشهای تازه‌ای که در این گونه از تاریخ‌نگاری مطرح شد و در ذیل مسایل جدیدی که پیش روی مورخان قرار گرفت، مقوله‌ها، ماهیت آنها، چه‌گونگی تعریف و تحدید مرزهای آنها و شیوه‌های ممکن و معقول برای در کنار هم چیدن یا جدا ساختن آنها و به‌طور کلی، مساله مقوله‌بندی اهمیت یافت و در جریان تحقیقات عملی محققان تاریخ اجتماعی، حیاتی بودن توجه به مقوله‌بندی به‌روشنی آشکار گردید.

۲. طرح مسأله

۱.۲ مقولهٔ اجتماعی / گروه اجتماعی

موضوع تاریخ اجتماعی معمولاً توده‌های بزرگ مردم (یا به اصطلاح: جمعیتها) و مقوله‌های اجتماعی‌ای است که این جمعیتها را می‌سازند (فربرن ۱۳۹۴: ۲۱). فربرن فصل اول کتاب *تاریخ اجتماعی: مسایل، راهبردها و روشها* (۱۳۹۴: ۲۱-۵۶) را به‌طور کامل به توضیح مسألهٔ مقوله‌ها و مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی اختصاص داده و به‌ویژه بر جنبهٔ جمعیت‌شناختی آن در این مطالعات تأکید کرده است. از نظر فربرن، اصطلاح جمعیت می‌تواند نه به صورتی مشخص و مطلق بلکه به عنوان طیفی از معانی فهمیده شود چنان‌که این اصطلاح را می‌توان بر یک جامعهٔ کامل از مردمان در یک سرزمین، یا بر دسته‌ای از جامعه‌ها، بر یک امپراتوری، بر یک تمدن، بر بخش بزرگی از مردم یک جامعه، بر جماعت‌های محلی، بر نهادها و جز اینها اطلاق کرد. همهٔ اینها واحدهایی مبهم و تعریف نشده‌اند که در عین حال که هیچ حد و مرز مشخصی را از نظر جمعیت‌شناسی معلوم نمی‌کنند، باز در فاهمهٔ عام یا در عرف عقل سلیم، دارای محدوده‌ای مفروض‌اند و وقتی از مردم یک سرزمین حرف می‌زنیم، به کلی از شمار نامفهوم یا غیر قابل درکی از نظر کمی سخن نمی‌گوییم بلکه مشخصاً با شمار قابل فهمی از جمعیت سروکار داریم که می‌توانیم آنها را در قالب یک واحد اجتماعی مورد پژوهش قرار بدهیم. از همین روست که اصطلاح مقوله در بیان فربرن عبارت است از زیرمجموعهٔ یک جمعیت (همان: ۲۱). در واقع به این ترتیب، فربرن مقوله را در بافتار بحث‌های جمعیتی تعریف کرده و تقسیمات مقوله‌ای را چیزی معادل تقسیمات ناظر به گروهها در علوم اجتماعی دانسته است. به این معنا که همان طور که در مطالعات اجتماعی، امکان گروه‌بندی جمعیتها بر اساس ملاکها و معیارهای متنوع، زمینهٔ مطالعهٔ آنها را فراهم می‌سازد، در مطالعات تاریخ اجتماعی نیز اقدام اولیه برای بازشناسی جمعیت مبهم و تشخیص و تحدید واحدهای اجتماعی پژوهش، با مقوله‌بندی جمعیت به واحدهای کوچکتر یا به عبارت درست‌تر، به واحدهای مشخص‌تر صورت می‌گیرد. فربرن تصریح کرده است که از نظر او مقولهٔ اجتماعی متشکل از مردمی است که لزوماً یکدیگر را نمی‌شناسند و با هم در تعامل و ارتباط نیستند یا حتی بر خلاف آنچه در علوم اجتماعی مطرح است، دارای باورها و ارزشهای یکسان یا واجد هویتی مشترک نیستند و به همین سبب است که در تاریخ اجتماعی، باید مقولهٔ اجتماعی را از گروه اجتماعی متفاوت انگاشت زیرا افرادی که به یک گروه تعلق دارند، ضرورتاً باید از ویژگیهای یادشده

برخوردار باشند. بسیاری از مقوله‌های اجتماعی هویت‌هایی صرفاً انتزاعی هستند و در عالم خارج به صورت یک گروه واقعی پدید نیامده‌اند بلکه مورخ برای آنکه بتواند داده‌های مربوط به آن مقوله را به نحوی روش‌مند ساماندهی کند، باید چنان مقوله‌ای را برای خود تعریف کند (برای نمونه مقولهٔ مودنان به عنوان افرادی که در یک بازهٔ زمانی مثلاً پنج قرن از طریق اذان‌گویی ارتزاق می‌کرده‌اند؛ این افراد در شیوهٔ ارتزاق با هم اشتراک دارند و می‌توان آنها را در یک مقولهٔ جمعیتی بر اساس معیار شغل و پایگاه درآمدی قرار داد ولی به واسطهٔ فاصلهٔ زمانی هرگز در قالب یک گروه به معنای جامعه‌شناختی کلمه، قابل تعریف نیستند؛ نک. موسی‌پور بشلی ۱۳۹۵: ۴۲).

۲.۲ اتساع تفسیر مفهوم مقوله از بافتار جمعیت به بافتار ریزمقوله‌های زندگی روزانه

در دستهٔ بزرگی از مطالعات تاریخ اجتماعی که به طور عمده به بررسی تغییرات اجتماعی در سطوح مختلف جامعه در دوره‌های تاریخی معین می‌پردازند، تفسیر مفهوم مقولهٔ اجتماعی در بافتار جمعیت‌شناسانه پاسخگوی نیاز محقق خواهد بود از آن رو که در این نوع از پژوهشها، محقق تاریخ اجتماعی هم مثل یک محقق علوم اجتماعی به دنبال بررسی و مطالعهٔ تغییر در اجتماع است و لاجرم باید داده‌هایی را که با آنها سروکار دارد، با در نظر گرفتن واحدهای جمعیتی مورد مطالعه، ساماندهی کند یعنی محقق علوم اجتماعی داده‌هایش را دربارهٔ گروه‌های اجتماعی (واقعی) (Eckert ۲۰۰۲: ۷-۸) و محقق تاریخ اجتماعی داده‌هایش را دربارهٔ مقوله‌های اجتماعی (واقعی یا انتزاعی) سامان می‌دهد؛ اما وقتی مطالعات مورخان اجتماعی نه دربارهٔ تغییرات بلکه دربارهٔ الگوهای عام معیشت و زندگی گروه‌های بزرگ جمعیتی مثل مردم یک سرزمین، زندگی یا بخشی از زندگی زنان یک منطقهٔ جمعیتی بزرگ، زندگی یا بخشی از زندگی اقلیتهای دینی یا قومی یا هر واحد جمعیتی مشابه دیگر باشد، فهم اصطلاح مقولهٔ اجتماعی در قالب واحدهای جمعیتی، فقط نیمی از مشکل محقق تاریخ اجتماعی را حل خواهد کرد و معمولاً محقق برای دسته‌بندی و ساماندهی داده‌های مربوط به هر موضوع یا هر بخشی از ساختار تشکیل‌دهندهٔ الگوی مفروض زندگی آن مقوله‌های جمعیتی مورد مطالعه، با دشواریها و سردرگمی‌های بسیار مواجه خواهد شد. مثلاً اگر محقق قرار باشد سبک زندگی یا سبک مصرفی خانوارهای روستایی در یک منطقهٔ معین را در یک دورهٔ تاریخی معین بررسی کند، می‌تواند جمعیت

ساکن در روستاهای آن منطقه را به صورت انتزاعی از آغاز دوره تاریخی مورد نظر تا پایان آن دوره تاریخی، به عنوان یک مقوله جمعیتی تعریف کند و واحد اجتماعی مورد مطالعه خود را شکل بدهد ولی انبوهی از موضوعات در زیرمجموعه زندگی این مقوله جمعیتی وجود دارند، که باعث می‌شوند داده‌های موجود بسیار پراکنده و به صورت کلافی در هم پیچیده جلوه کنند. از طرفی به سادگی نمی‌توان این مقوله جمعیتی را به مقوله‌های ریزتر خرد کرد؛ یا اینکه محقق می‌خواهد مشخصاً متعلق تبیین و تحلیل‌های خود را ناظر به همان سطح از واحد جمعیتی یعنی روستاییان منطقه الف در دوره تاریخی الف قرار بدهد و در این صورت، خرد کردن این مقوله جمعیتی بی‌معنا خواهد بود. در این صورت ما به درک وسیع‌تری از مفهوم مقوله اجتماعی نیاز داریم که از بافتار جمعیت‌شناسانه فراتر برود و شامل موضوعات متنوع در ذیل زندگی جمعیت مورد مطالعه هم بشود و همه داده‌های موجود را در قبال زندگی آن جمعیت در بر بگیرد.

۳.۲ زندگی روزانه و مسالگی اساسی مقوله‌بندی‌ها

این چالش روش‌شناختی به طور آشکارا زمانی رخ می‌دهد که محقق تاریخ اجتماعی بخواهد به‌ویژه به یکی از مهم‌ترین مباحث رایج در تاریخ اجتماعی یعنی به مطالعات زندگی روزانه پردازد و اصولاً نخستین کسانی که در مطالعات تاریخ اجتماعی درگیر این چالش روش‌شناختی شده‌اند و کوشیده‌اند برای غلبه بر آن راهکارهایی پیشنهاد کنند، محققان تاریخ اجتماعی زندگی روزانه بوده‌اند. ضمن اینکه این مشکل روش‌شناختی زمانی به مراتب شدیدتر و بارزتر جلوه می‌نماید که محقق تاریخ اجتماعی، هم بخواهد به مطالعه الگوهای عام زندگی پردازد و هم به طور همزمان، تغییرات در الگوهای زندگی روزانه را بررسی کند.

تاریخ اجتماعی زندگی روزانه به مثابه نقطه عزیمتی تازه در تاریخ‌نگاری بر آن بوده است تا با مشاهده و بررسی روحيات و تجربیات ذهنی و واقعی مردم عادی و معمولی، به درک روشن‌تری از این مردم دست یابد و در این زمینه به تمامی حوزه‌ها و سطوح و مواضعی که این تجربه‌های روزانه در آن رخ می‌دهند، می‌پردازد (نک. کفینو ۱۳۹۴: ۱۷۰)؛ زندگی روزانه، در واقع بارزترین جلوه‌گاه ظهور و بروز خواست‌ها، سلیقه‌ها، انگیزه‌ها و کنش‌ها و رفتارهای مردمان عادی و معمولی جامعه یعنی همان کسانی است که بنا بر تعریف قرار است تاریخ اجتماعی تاریخ زندگی آن‌ها باشد^۲ (موسی‌پور بشلی ۱۳۹۵: ۴۰)

و از این رو محدوده‌های مورد توجه و پژوهش مورخ زندگی روزانه بسیار متنوع و غیرقابل شمارش‌اند؛ این وسعت و تنوع طبعاً باعث گرد آمدن انبوه‌های عظیمی از داده‌ها خواهد شد که دسته‌بندی و چیدمان و ساماندهی داده‌ها را بسیار دشوار و چالش‌برانگیز می‌سازند.

۴.۲ مقوله‌ها ثابت و محدودند یا متغیر و نامحدود؟

واقعیت این است که مورخان در بسیاری از موارد بنا بر روش، مایل‌اند جهان اجتماعی را به قطعه‌های کوچکتر تقسیم کنند در حالی که محققان علوم اجتماعی معمولاً تکه‌های جهان اجتماعی را به هم وصل و با هم جمع می‌کنند؛ صرف نظر از اختلاف نظرهای ممکن در این زمینه، این روشن است که در قلمروی واقعی مطالعات تاریخ اجتماعی، آنچه غالباً روی داده است این بوده است که مورخان اجتماعی بر این باور بوده‌اند که مطالعه جمعیتها به صورت یک واحد یگانه، شیوه مناسبی برای کار نیست بلکه این، رهیافت محققان علوم اجتماعی است.^۳ در عوض محققان تاریخ اجتماعی در پی آن بوده‌اند که هر جمعیت مورد مطالعه‌شان را به تمامی مقوله‌های تشکیل‌دهنده‌اش خرد کنند و با دقت و جزئی‌نگری این تکه‌های تفکیک‌شده را مطالعه کنند. به این ترتیب، معنای این سخن که مورخان اجتماعی، توده‌های عظیم جمعیتی را مطالعه می‌کنند این نیست که این توده‌های عظیم را به صورت یکپارچه و در قالب یک انبوهه مبهم بررسی می‌کنند بلکه این مورخان ابتدا این توده‌های عظیم جمعیتی را باز می‌شکافند و آن را به قطعات سازنده‌شان تقسیم می‌کنند و سپس هر قطعه یا به اصطلاح مقوله جمعیتی را در درون این انبوهه جمعیتی، به صورت جداگانه مورد مطالعه‌ای جزئی‌نگرانه قرار می‌دهند؛ ضمن اینکه باید تاکید کرد که مورخان اجتماعی بدون منطقی معنادار، حاضر به گزینش و یا حذف برخی مولفه‌ها و مقوله‌های سازنده توده‌های عظیم جمعیتی نیستند و نوعاً می‌خواهند مقوله‌بندی‌های جمعیتی‌شان شامل تمام افرادی که در آن توده جمعیتی وجود داشته‌اند (یا دست‌کم حداکثر ممکن از آنها)، باشد (فربرن ۱۳۹۴: ۲۴-۲۵).

در مباحث زندگی روزانه همزمان، هم محورها و ملاکهای مقوله‌بندی جمعیتی یعنی تقسیم انبوهه جمعیتی به واحدهای جمعیتی کوچکتر اهمیت می‌یابد و هم این نکته که قرار است چه موضوعات و مضامینی در قبال این اجزای تقسیم‌شده مورد مطالعه قرار بگیرد.

هم در مقوله‌بندی جمعیتها و هم در مقوله‌بندی مولفه‌های زندگی این جمعیتها، در بدو امر به نظر می‌رسد و این باور هم البته وجود داشته است که انواع مقوله‌های اجتماعی‌ای که

می‌توانند ملاک تقسیم‌ها قرار بگیرند، محدود یا ثابت‌اند. به نظر فربرن این یک پیشفرض غلط است که گمان کنیم انواع مقوله‌های اجتماعی که می‌توانند معیار طبقه‌بندی یا تقسیم‌بندی مردم در گذشته تاریخی قرار بگیرند، اندکند یا تغییرناپذیرند بلکه برعکس انواع مقوله‌های اجتماعی قابل قبول برای چنین تقسیم‌بندی‌هایی، هم بسیار پرشمارند و هم بسیار متغیر. مثلاً اگر این ملاکها را در آغاز مقوله‌بندی، عبارت از محلّیت، قومیت، جنسیت، و طبقه در نظر بگیریم، ضرورتی روش‌شناختی وجود ندارد که این تقسیم‌بندی را در این مرحله متوقف کنیم مگر اینکه هدف و مأموریت پژوهش چنین حد یقینی را بر محقق تحمیل یا برای او تعریف کرده باشد وگرنه همین مقوله‌های چهارگانه اجتماعی را می‌توان باز بر اساس مکان تولد، سن، وضع تاهل، دین (Butler ۱۹۹۴، ذیل مدخل «دین»، ۸۰۹-۸۱۲؛ نک، Butler ۲۰۰۸: Preface 5) میزان سواد (Rawski ۱۹۹۴، ذیل مدخل «سواد»: ۵۹۴-۶۰۰)، سطح مهارت‌های قابل عرضه به بازار، عادات‌های مصرفی، الگوهای رژیم غذایی، سلیقه‌های و رفتار جنسی (نک، Ruggiero ۱۹۹۴ ذیل مدخل «رابطه جنسی»: ۱۷۲-۱۷۶؛ نک Brown ۱۹۸۸: ۶-۲۸)، سلامت جسمی و روانی، سابقه درمانی، ویژگی‌های جسمانی و انسان‌سنجی (قد و وزن و ...؛ درباره‌ی انسان‌سنجی و اهمیت آن در مقوله‌بندی و مطالعات تاریخ اجتماعی نک، Komlos ۱۹۹۴، ذیل مدخل «آنتروپومتریکس»: ۵۳-۵۴)، چگونگی گذراندن اوقات فراغت (Walton ۱۹۹۴، ذیل مدخل «اوقات فراغت»: ۵۳۸-۵۴۲)، خدمت‌سربازی و سابقه نظامی، محل سکونت و ساختار و ابعاد سکونتگاه، ساختارهای خانوادگی (Hareven ۱۹۹۴، ذیل مدخل «خانواده»، ۳۳۷-۳۴۵)، روش‌های تربیت فرزندان و گذراندن کودکی (Haas ۱۹۹۴: ذیل مدخل «کودکی»، ۱۴۶-۱۴۸)؛ ساعات کار (Vandervort ذیل مدخل «کار»، ۱۰۵۴-۱۰۵۸)، تبارشناسی آنها (Henige ذیل مدخل «نسب‌شناسی»، ۳۹۳-۳۹۴) و انبوهی بی‌پایان از مقوله‌های دیگر تقسیم‌بندی کرد (فربرن ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹). به این معناست که گفته می‌شود مقوله‌های اجتماعی پرشمارند و در واقع هر مقوله‌بندی خود می‌تواند به زیرشاخه‌های ریزتر و هر زیرشاخه نیز به زیرشاخه‌هایی دیگر تقسیم شود.

اندیشیدن به تمامی موارد بی‌شمار مولفه‌های زندگی اجتماعی افراد در گذشته برای انجام دادن یک تحقیق تاریخ اجتماعی بسیار دشوار است، اما محقق تاریخ اجتماعی ناگزیر باید در هنگام مقوله‌بندی یا گزینش مقوله‌ها به این کلیت عظیم ناظر و از تنوع و نیز از امکان این تقسیم‌بندی‌های ریزمقوله‌ای آگاه باشد. این گزینش باید به صورت آگاهانه

صورت بگیرد و هدف از آن کنترل حجم بی‌پایان داده‌هایی باشد که قرار است دستمایه مطالعه محقق قرار بگیرند. میان محقق‌هایی که با علم به مقوله‌های ممکن و ریزمقوله‌های ذیل آنها دست به گزینش می‌زند با محقق‌هایی که با ساده‌اندیشی گمان می‌کند گزینش او عبارت است از تمامی مقوله‌های ممکن قابل پژوهش، تفاوت زیادی وجود دارد.

۵.۲ ساماندهی داده‌ها بر اساس مقوله‌ها

محقق تاریخ اجتماعی برای اینکه در باتلاقی از داده‌ها فرو نرود و ناچار نشود که گزارشی نامنسجم و بیش از حد طولانی از موضوع به دست بدهد، باید با طرح و برنامه‌ای که مبتنی بر یک نگرش منطقی و قابل استدلال باشد، مقوله‌های پژوهش را مشخص کند و داده‌ها را بر اساس این مقوله‌بندی ساماندهی کند. از این رو، عرف شمول‌گرا بانی ظهور نگرشی سه‌وجهی در گزارش‌ها می‌شود: وجه نخست گنجانیدن همه مقوله‌های ممکن است که گزارش می‌تواند یا باید شامل آنها شود. دوم، نگارش منسجم همه مقوله‌هایی است که می‌دانیم گزارش می‌تواند آنها را در بر بگیرد. سوم، مشخص کردن مهم‌ترین مقوله‌هاست به نحوی که دست‌کم گزارش شامل آنها بشود. (فرین ۱۳۹۴: ۳۴)

راه‌کارهایی در جهت پیشبرد کار و حل این چالش وجود دارند. مشخص‌سازی اهداف یکی از آنهاست. شیوه انتخاب مقوله را حالت پژوهش تعیین می‌کند. مسایل مربوط به عرف شمول‌گرا، یا در واقع ملاکهای کمی گزینش زمانی که رهیافتی خردنگران‌تر برای تعیین اهداف داشته باشیم، خود به خود حل می‌شوند. اینگونه به کمک یک رهیافت از پیش انتخاب‌شده، مقوله‌های فرعی کنار می‌روند و مقوله‌های ضروری مشخص می‌شوند. منظور از حالت پژوهش نیز، رشته مورد مطالعه نیست بلکه آن را می‌توان گونه‌ای از مطالعه دانست که برای حوزه‌ای خاص مناسب است. پرداختن به هر یک از حالات پژوهش به در دسترس بودن مواد مناسب، داشتن درکی روشن از قواعد آن حالت و باور به ارزشمندی تحقیقات مسئله‌مدار وابسته است. این حالات پژوهش می‌توانند شامل مواردی چون حالت هرمنوتیکی، تبیین قصدی، تبیین علی، حالت تبیین چگونگی ممکن است و حالت گردآوری اطلاعات به صورت متمرکز باشد (همان: ۳۷-۴۱).

بنابراین تاریخ اجتماعی از یک سو با جمعیت‌ها و مقوله‌های اجتماعی که آنها را می‌سازند سروکار دارد و از سوی دیگر انتظار می‌رود گزارش‌هایی ارائه دهد که همه ابعاد زندگی مردم را در یک زمان تاریخی در بر گیرد. این، پیچیدگی اهمیت مقوله‌بندی در

مطالعات تاریخ اجتماعی را نشان می‌دهد. محقق با گزینش حالت مناسب پژوهش می‌تواند پاسخگوی این خواسته‌ها باشد و مقوله‌های مهم را با توجه به اهداف تحقیق برگزیند.

۳. پرسش‌های تحقیق

در بررسی تحقیقات تاریخ اجتماعی به خصوص زندگی روزانه باید دید که محقق به چه دلیل مقوله‌بندی خاصی را انتخاب کرده و منطق او برای معنادار ساختن مقوله‌بندی مختارش چه بوده است؟ چرا برخی از مقوله‌ها در کار وی بررسی شده‌اند و برخی دیگر نه؟ در واقع کدام مقوله‌ها حذف و کدام مقوله‌ها به عنوان چهارچوب کار در نظر گرفته شدند؟ چه عواملی در مقوله‌بندی او موثر بوده‌اند؟ و اینکه آیا می‌توان برای تمام دوران تاریخی با شرایط جغرافیای و فرهنگی متفاوت، شیوه مقوله‌بندی واحدی را ارائه داد؟ در جریان مطالعه در همین مقوله‌بندی‌ها و زیرشاخه‌های آنها می‌توان به جهان‌بینی نویسنده، داده‌های در دسترس، مقوله‌های مهم مردم در زندگی گذشته و مواردی دیگر در تاریخ‌نگاری زندگی اجتماعی پی برد. برای پاسخ به این سوالات و درک اهمیت مقوله‌بندی در پژوهش‌های تاریخ اجتماعی نگاهی خواهیم داشت به آثار نوشته شده در تاریخ اجتماعی، شیوه و چرایی مقوله‌بندی در این آثار.

۴. فرضیه تحقیق

در بررسی مقوله‌بندی‌های رایج و مطرح، هر یک از مورخان و محققان تاریخ اجتماعی زندگی روزانه، با توجه به اهداف پژوهش مورد نظرشان و هم‌چنین با توجه به متغیرهایی که به دنبال بررسی رابطه آنها با مسایل اجتماعی بوده‌اند، مقوله‌بندی‌های متفاوتی را در تناسب با این اهداف انتخاب کرده‌اند.

همچنین به نظر می‌رسد شرایط تاریخی و فرهنگی هر جامعه نیز محقق تاریخ زندگی روزانه را به نوعی به سمت مقوله‌بندی خاصی سوق می‌دهد به این معنا که در هر دوره بنا بر شرایط و مقتضیات و سبک زندگی و تغییر رتبه و اهمیت برخی مقوله‌ها یا برخی اجزای زندگی روزانه، شیوه انتخاب، دسته‌بندی و اولویت‌بندی مقوله‌ها، متفاوت باشد؛ چنانکه در بررسی تاریخ اجتماعی زندگی روزانه روم باستان باید به تاثیر اهمیت یافتن تاتر در زندگی

مردم و در تاریخ اجتماعی زندگی روزانه در ایران عصر صفوی، برگزاری آداب و رسوم شیعی به ویژه مراسم محرم و زیرمجموعه آن توجه کرد.

۵. روش تحقیق

برای بررسی این موضوع، کتابها و دایره‌المعارفهایی که در حوزه تاریخ اجتماعی زندگی روزانه منتشر شده‌اند گردآوری و بر اساس شیوه دسته‌بندی و چیدمان درونی مقوله‌ها در هر یک از این آثار، ابتدا ساختار مقوله‌ای مورد توجه محققان و مولفان آنها استخراج شده و سپس بر اساس محتوای تشکیل‌دهنده این منابع به نقد و بررسی و مقایسه آنها کوشش شده است تا چرایی انتخابهای مقوله‌ای و سبک و منطق این انتخابها بررسی شوند. بنابراین روش پژوهش در این اثر توصیفی-تبیینی است.

۶. پیشینه

از آنجایی که هم مطالعات تاریخ اجتماعی نوین به تازگی رواج یافته و سابقه آن در غرب به دهه ۱۹۷۰ میلادی و در ایران به دهه ۱۳۸۰ شمسی باز می‌گردد، در هیچ یک از موضوعات و حوزه‌های روش‌شناسی این مطالعات، ادبیات قابل توجهی پدید نیامده است و صرف نظر از مقدمه‌هایی که ممکن است برخی محققان در توضیح روش کارشان در آغاز برخی تحقیقات تاریخ اجتماعی آورده باشند، و کتاب فریرن، که از آن یاد کردیم، مسأله مقوله‌بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی از سابقه قابل ارائه‌ای برخوردار نیست و به فارسی تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته و چنان‌که گفته شد، فقط محققانی که در عمل در میدان تحقیق در حوزه‌های زندگی روزانه قرار گرفته‌اند بوده‌اند که با چالش مقوله‌ها در روش‌شناسی مطالعات تاریخ اجتماعی مواجه بوده‌اند.

در زمینه تاریخ اجتماعی و بخصوص زندگی روزانه در قرن بیستم کارهای مهمی تألیف شده‌اند که تا به امروز نیز آثار مهم و تاثیر گذاری به حساب می‌آیند. در حوزه تاریخ‌نگاری زندگی روزانه، انتشارات گرین‌وود (Green wood) بیش از ناشران دیگر فعال بوده و کتابهای متعددی در دو دهه اخیر منتشر کرده است. البته دیگر ناشران نیز در این زمینه فعالیت داشته‌اند اما ناشر ذکر شده به صورت تخصصی در این حوزه کار کرده است. مجموعه کتابهای چاپ شده توسط این انتشارات شامل: زندگی روزانه در مصر باستان، زندگی

روزانه در زمان روم باستان، زندگی روزانه در زمان یونان باستان، زندگی روزانه در عصر هلنیسم، زندگی روزانه در زمان اروپای قرون وسطی، زندگی روزانه در زمان مرگ سیاه، زندگی روزانه در زمان رنسانس ایتالیا، زندگی روزانه در انگلستان زمان استوارت، زندگی روزانه در انگلستان عصر الیزابت، زندگی روزانه در زمان انگلیسیون اسپانیا، زندگی روزانه در زمان انقلاب فرانسه، زندگی روزانه در زمان جنگ جهانی اول، زندگی روزانه در زمان پیش از جنگ سرد، زندگی روزانه در زمان آمریکای قرن بیستم، زندگی روزانه در زمان جنگل‌های ونزوئلا، زندگی روزانه در زمان کلونی‌های مکزیک، زندگی روزانه در زمان انقلاب چین، زندگی روزانه در زمان امپراتوری اینکاها، زندگی روزانه در زمان امپراتوری روسیه، زندگی روزانه در امپراتوری عثمانی، زندگی روزانه در زمان امپراتوری مغول و غیره. انتشارات Allen, Oxford University Press, ABDON Publishing Compan, Routledge & Unwin از دیگر ناشرانی هستند که در این زمینه چندین کتاب به چاپ رسانده‌اند.

از تالیفات داخل کشور نیز تنها می‌توان به کتاب «دین زیسته و زندگی روزانه» نوشته ابراهیم موسی‌پور بشلی، انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام اشاره کرد که تک‌کتابی است دارای قالب کاری تاریخ اجتماعی و متناسب با روش پژوهش در این حوزه که در مقدمه مفصل روش‌شناسی‌اش به مسأله مقوله‌بندی و اهمیت آن و مشخصاً به چگونگی انتخابهای مقوله‌ای‌اش اشاره کرده است.

هر کدام از کتابهایی که در بالا برشمرده شده‌اند با توجه به مقوله‌بندی‌های مشخصی در حوزه تاریخ اجتماعی به زندگی روزانه نگاه کرده‌اند. چنانکه گفته شد، مقوله‌بندی در تاریخ اجتماعی از جمله از این جهت برای محققان بسیار مهم و چالش‌برانگیز بوده که انتخاب هر مقوله، شیوه مواجهه محقق را با انبوه عظیم داده‌های بسیار پراکنده تعیین می‌کند و هر انتخاب، متضمن بروز تفاوت‌های بسیار در چیدمان داده‌ها و شکل‌گیری الگوی پراکندگی آنها خواهد شد. مورخ با انبوهی از داده‌های پراکنده روبرو است که باید آنها را بر اساس ویژگی‌های مشترک واقعی یا مفروض، در دسته‌های معقول و معنادار و قابل استدلال قرار دهد و چنان‌که گفتیم محققان در مطالعات تاریخ اجتماعی زندگی روزانه، این امر را به صورت بسیار ملموستری تجربه می‌کنند.

۷. مطالعه مقوله‌بندیها در آثار مورخان زندگی روزانه

در نخستین کارهایی که در حوزه زندگی روزانه انجام شدند پیشنهاد این بوده است که مقوله‌بندی بر اساس درون‌خانه، بیرون‌خانه یا بنابر نحوه معیشت کشاورزی و غیرکشاورزی صورت گیرد. این قبیل مقوله‌بندی‌ها را در کتابهای زندگی روزانه انتشارات گرین‌وود می‌توان دید. در عمده کتابهای انتشارات Green Wood مقوله‌بندی بر مبنای همان تقسیم‌بندی کلی دایره‌المعارف تاریخ اجتماعی^۵ صورت گرفته است اما در زیرمجموعه مقوله‌بندی‌های اصلی، عناوین کوچکتر با توجه به داده‌های مورخ و شرایط اجتماعی و فرهنگی غالب جوامع مورد بحث قرار گرفته‌اند. مقوله‌بندیها در کتابهایی که در ادامه بررسی می‌شوند می‌توانند تاثیر زمانه، شرایط اجتماعی و داده‌های در دسترس مورخ را بر شیوه مقوله‌بندی مشخص کنند.

۱.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب زندگی روزانه در امپراتوری عثمانی

در کتاب زندگی روزانه در امپراتوری عثمانی^۶، نویسنده به دلیل گستردگی زمانی و جغرافیایی امپراتوری عثمانی امکان بررسی ریزبه‌ریز مسایل مربوط به نواحی مختلف امپراتوری، اقوام و دوران مختلف را هم دارد و هم ندارد. چرا که از طرفی او با بازه‌ای طولانی از زمان مواجه است و می‌تواند مقوله‌های غایب هر دوره را از خلال داده‌های دوره دیگر بیرون بکشد و از طرفی چنان این دوره زمانی گسترده است که امکان بررسی و مقایسه کامل را از مولف می‌گیرد و ذکر تمام داده‌های باقی‌مانده، نوشته‌ای پراکنده را به وجود خواهد آورد. می‌توان گفت در این کتاب تاکید اصلی و عمده بر زندگی روزانه شاه و درباریان و طبقه منتخب جامعه است. نویسنده در هر فصل با اطلاعاتی گزینش‌شده زندگی روزانه در پایتخت و شرایط اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی آن را در تمام ششصد سال امپراتوری عثمانی به عنوان بخشی از روال عمومی زندگی روزانه مطرح کرده است.

در قسمت دیگر نویسنده کاخ‌سازی و شهرسازی را هم در بافتار زندگی روزانه وارد کرده و آن را از این رو مهم دانسته که پس از عصر فتوحات و در زمان سلطان محمد دوم با فتح قسطنطنیه، نیاز به ملزومات زندگی شهری، دربار و کاخ‌سازی در شهر احساس شد و به عنوان بخشی از هدف بلندمدت شاه درآمد (Kia ۲۰۱۱: ۳۶-۴۰) به سبب آنکه بخصوص در شرق اطلاعات در مورد شاهان، زندگی آنها و مسایل مربوط به آنها بیشتر در

منابع ذکر شده، مجال پرداختن به امور جزئی بیشتر است و به همین دلیل مولف توانسته برنامه کلی و روزانه شاه و درباریان را از بام تا شام در موقعیت‌های مختلف شرح دهد. زندگی روزانه و مسائل مربوط به اهالی دربار مانند وزیران و قاضیان، ینی‌چریها، فرمانداران ایالات و سپاهیان نیز جزو مقوله‌های بسط داده شده نویسنده بوده که در هر مورد او توانسته شاخه‌بندی‌های خردتر را نیز برای هر مقوله تا جایی که به دربار مربوط بوده است، مطرح کند. دو فصل از این کتاب به ساختار نظامی و سیاسی عثمانی اختصاص داده شده است (همان: ۱-۵، ۱۵-۳۵ و ۳۶-۵۰) چرا که تاکید این کتاب بر زندگی روزانه این طبقه از جامعه است، صرفاً به این دلیل که نظامیان در امپراتوری عثمانی جایگاه خاصی داشتند.

در فصول دیگر کتاب، نویسنده به مقوله‌های اجتماعی آن زمان در جامعه شهری و روستایی هم پرداخته است، هرچند که حجم مطالب با هم، هم‌خوانی ندارد. در مقوله شهرها، حومه‌ها و روستاها اطلاعات پیرامون محلات شهرها، نحوه نامگذاری محلات، اقلیت‌های مذهبی، ساختار خانه‌ها، شهرسازی، بازارها، تجار و بازرگانان، اصناف و محتسبان است و دوباره به علت حجم زیاد داده‌ها و بازه زمانی گسترده، این داده‌ها به صورت کلی و تعمیم‌یافته ذکر شده‌اند. (همان: ۷۲-۱۰۰)

قومیتها در این کتاب در زیرمجموعه اجتماعات مذهبی و با دسته‌بندی دینی عنوان شده‌اند و فقط مسلمانان در فصل‌بندی جدایی قرار گرفته‌اند (همان: ۱۱۱-۱۱۲) در قسمت مسلمانان نیز تنها به جشنها، آداب و رسوم اعتقادات مذهبی آنها اشاره رفته است که البته در ارتباط با زندگی روزانه آنها نیست بلکه گویی نویسنده بیشتر قصد آشنا ساختن خواننده با اصول دینی و اعتقادی مسلمانان را داشته زیرا اثری از مفهوم روزانگی یا حتی تاثیر متغیر ترک بودن یا جغرافیای عثمانی در این مقوله‌بندی دیده نمی‌شود. (همان: ۱۳۴-۱۴۸)

با توجه به فصول بعدی که در مورد علما و صوفیان است (همان: ۱۶۴-۱۷۹) می‌توان گفت هدف نویسنده بیان زندگی روزانه طبقات اجتماعی بوده است چرا که با چنین نگاهی این دسته‌بندی را انجام داده و درکنار این دسته‌بندی مقولات اجتماعی کلی را در فصول آخر تحت عناوین ازدواج، خانواده و رابطه جنسی، تفریحات و بیماری، مرگ و سلامت آورده است. این شیوه باعث شده که سرفصلها و مقوله‌های این کتاب یکدست و منسجم نباشند و مقوله‌بندی در این اثر از ساختار مشخصی پیروی نکند. نویسنده این دسته‌بندی را برای هر طبقه اجتماعی رعایت نکرده و تنها کلیت این مقولات را مطرح کرده است. او

در مقوله‌بندی خود با توجه به اینکه از جامعه‌ای اسلامی صحبت می‌کند رابطه جنسی را در کنار خانواده آورده است چرا که این امر در جامعه مذهبی در جایی خارج از چهارچوب خانواده یا قوانین اسلامی مرتبط با خانواده قابل پذیرش نبوده است. در مورد بهداشت و سلامت نیز از بیماریها و بیماران و پزشکان صحبت شده است. به این ترتیب نویسنده در این مقوله‌بندی امکان ارائه حد اکثر اطلاعات را در مورد جامعه عثمانی در نظر داشته و به معیارها و ملاکها و معنادار بودن آنها در شکل دادن به مقوله‌های کتاب چندان توجهی نداشته و در واقع بسیاری از اجزای مقوله‌بندی او قابل دفاع یا استدلالی قانع کننده نیست.

۲.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب *زندگی روزانه در امپراتوری مغول*

جورج لین (George Lane) نویسنده کتاب *زندگی روزانه در امپراتوری مغول*^۷ در مقوله‌بندی خود به تاریخ سیاسی، جغرافیای طبیعی، ارتش، سلامت و پزشکی، نوشیدنیها، غذا، مذهب، قانون و فرامین مغولها، زنان و در آخر به داستانهای عامیانه پرداخته است.

او مقوله‌بندی خود را با توجه به شیوه خاص زندگی مغولان انجام داده است یعنی جغرافیا و به تعبیری مفهوم مکان فرهنگی را تقریباً به تفصیل شرح و خواستگاه مغولان و تاثیر این خواستگاه را بر رفتارهای آنان مورد ارزیابی قرار داده و در واقع به تاثیر مکان بر وقایع نظر داشته است و از این رو می‌توان سبک زندگی مغولان را معیار اصلی او در معنادار ساختن مقوله‌بندی‌اش در این کتاب انگاشت. او با توجه به ساختار قبیله‌ای مغولان، و اعتقاد آن‌ها مبنی بر «امپراتوری که بر پشت اسب شکل گرفته باید بر پشت اسب هم اداره شود» (Lane ۲۰۰۶: ۵۹) در مبحث خانه و سکونتگاه، به چادرنشینی مغولان اشاره و این مبحث را در چین و ایران دنبال و شهرها را در دوران هر خان مغول بررسی کرده است. به دلیل اهمیتی که جنگ و جنگاوری در زندگی مغولان داشت، جورج لین حتی ارتش را هم در مقوله زندگی روزانه مطرح کرده است چرا که هر روز یک مغول، در لشکرکشی و آماده‌باش سپری می‌شد. البته در زیرمجموعه جنگ از شکار نیز صحبت شده که هم در شمار مقوله تفریح و هم در مقوله خوراک مغولان در استپ گنجانده شده است. (همان: ۹۵)

در قسمت مربوط به بهداشت و سلامت، در مقوله‌بندی بر حسب اهمیتی که مغولان به امر سلامتی می‌دادند، چه در دوره استپ‌نشینی و چه در دوره امپراتوری، پزشکان و داروها توصیف شده‌اند و در باب طب چینی، طب سوزنی، شیوه تشخیص بیماری و

مجددا درباره خوراکیها و رژیم غذایی مغولان در این قسمت صحبت شده است. در این مقوله مبادلات فرهنگی و علمی میان شرق و غرب آسیا نیز به بحث گذاشته شده چرا که طب یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعامل فرهنگی بوده است. (همان: ۱۳۶-۱۴۸)

مقوله نوشیدن خود در یک دسته‌بندی مستقل آمده است (که معمولا چنین کاری در مقوله‌بندیهای زندگی روزانه رایج نیست) چرا که برای مغولان نوشیدن در طول روز حتی از خوراک نیز مهم‌تر بوده و این سنت از ابتدا تا انتهای دوره مغول در رفتار و کنش‌خانات مغولان و در داستانهای مربوط به آنها باقی مانده است (همان: ۱۴۹-۱۵۰). نویسنده کتاب بر مبنای داده‌های در دسترس راجع به شرایط اجتماعی و فرهنگی غالب و جایگاه متفاوت پدیده‌های اجتماعی در ساختار زندگی مغولان، از مقوله‌های مطرح در تاریخ‌نگاری اجتماعی خاص آنان، تنها شش مقوله اصلی را انتخاب کرده و بر مبنای آنها شواهد و داده‌های خود را جای‌گذاری کرده است. مقوله‌بندی و چیدمان داده‌ها در این کتاب اصولا بر اساس واحد جمعیتی مورد پژوهش یعنی مغولان است که خود بر اساس معیاری قومیتی انتخاب و تعریف و تحدید شده است.

۳.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب *زندگی روزانه در روم باستان*

جرمی کارکوپینو (Jerome Carcopino) نویسنده کتاب *زندگی روزانه در روم باستان*^۱، با عمیق شدن در جامعه شهری روم و تفکیک کردن آن از جامعه روستایی در صدد بررسی چهارچوب‌های اصلی زندگی روزانه در جامعه شهری روم است چرا که او معتقد است اساسا نوع زندگی، امکانات و مسایل اجتماعی در جامعه شهری متفاوت از جامعه روستایی آن دوران بوده است. او برای این کار لازم دانسته ابتدا، کالبد شهر را توصیف کند؛ جایی که زندگی روزانه در بستر آن شکل گرفته می‌گیرد.

منظور وی از زندگی روزانه دقیقا به معنی زندگی هر روزه و روز به روز افراد است نه صرفا مسایل اجتماعی جامعه روم. وی با توجه به داده‌های تاریخی، شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روم، مقوله‌بندی مد نظر خود را در اثرش شکل داده است.

بنابر اهمیتی که شناخت کالبد شهری روم از منظر او دارد در فصل اول مقوله جمعیت و وسعت شهری را بررسی کرده و با توجه به داده‌های باستان‌شناسی و مطالعات مورخان و جامعه‌شناسان، به عددی تقریبی از جمعیت شهر روم دست یافته است. (همان: ۲۱-۲۳)

کارکوپینو به شرح خانه‌ها، خیابانها، نحوه ساخت آنها و فضاسازی شهری با توجه به

جمعیت و وسعت شهر و تاثیر آن در برنامه روزانه مردم اهتمام داشته، چرا که تردد افراد و گروه‌های مختلف با توجه به ساختار معمارانه خیابانهای شهر تعیین می‌شده است. (همان: ۵۶-۶۴)

جامعه و طبقات اجتماعی مقوله بعدی در این کتاب است. از آنجایی که در جامعه روم بردگان بخش عظیمی از جمعیت را تشکیل می‌دادند و دیگران افراد آزاد محسوب می‌شدند، این مقوله در زمینه اجتماعی عاملی موثر در زندگی روزانه مردم بود. به همین دلیل قابل درک است که چرا مبحث جمعیتی یک بار در قسمت اول مورد بحث قرار گرفته و یک بار در این جا و در ارتباط با طبقات اجتماعی.

در مقوله بعدی با عنوان ازدواج، زنان و خانواده، نویسنده ابتدا پدرسالاری در جامعه روم و رابطه فرزندان با پدر براساس قانون پدر (Patria potestas) را تعریف و توصیف کرده و سپس در مورد مراسم ازدواج و اجزای مختلف آن توضیح داده، آنگاه فلسفه ازدواج را از دیدگاه رومیان باستان بیان کرده است. نکته جالب بیان روند تغییر موقعیت زنان در جامعه رومی است چنانکه زنان به جایی می‌رسند که می‌گویند: ما در نهایت هر اتفاقی بیفتد انسان هستیم و حق انتخاب و آزادی داریم. (همان: ۱۰۴-۱۰۸) نویسنده با استناد به این تغییرات وارد مبحث طلاق شده است. حجم نوشته‌ها در مورد زنان نشان‌دهنده وجود داده‌های کافی برای بیان وضعیت آنها به صورت بخشی مجزا در کتاب است. امری که شاید در تاریخ‌نگاری‌های ایرانی برای محقق زندگی روزانه به سادگی میسر نباشد.

تحصیلات و مذهب مقولات بعدی هستند که نویسنده با توجه به داده‌ها آنها را در کنار هم آورده است. کارکوپینو مراحل تحصیل را شرح داده و از تاثیر مذهب بر آموزه‌ها با ظهور مسیحیت و رسمی شدن آن در امپراتوری روم، و افول آن و رشد عرفانهای شرقی صحبت کرده است، چرا که این موارد در آن جامعه به موازات یک دیگر بودند. (همان: ۱۳۷-۱۵۲)

پس از این مقولات که بیشتر به پیش‌درآمدی می‌مانند که کارکوپینو برای رسیدن به موضوع اصلی به آنها پرداخته، مقوله بعدی یعنی برنامه روزانه آمده است که با یک تقسیم‌بندی زمانی از صبحگاه تا شب هنگام بررسی و توصیف شده است. این مقوله با بحث زمان و تقسیم روزها و تقویم شروع شده و با بیداری پیش از طلوع آفتاب ادامه یافته است. رسیدگی به موهای سر و صورت و لباس پوشیدن که آداب و اصول خاص خود را دارند در بخش صبحگاه آمده‌اند. در واقع به جای تقسیم‌بندی مسایل به مقوله‌هایی مانند

پوشش، زمان انجام کارها ملاک قرار گرفته است به همین دلیل مبحث لباس پوشیدن و مدهایی که در آن زمان مطرح بوده در قسمت صبح‌گاه بیان شده‌اند. علاوه بر آن در بخش صبح‌گاه مقوله اشتغال نیز ذکر شده و اینکه زنان و مردان بسته به اینکه آزاد بودند یا برده، فقیر بودند یا غنی، روز خود را چگونه آغاز می‌کردند. نویسنده تغییر فصل را نیز در بررسی کارها و مشاغلی که افراد به صورت روزانه انجام می‌دهند در نظر گرفته است. از امور دیگری که به هنگام صبح انجام می‌شد می‌توان به خواندن نوشته‌ها و آثار افراد در خیابان اشاره کرد. این فعل آنقدر معمول بوده که کارکوپینو آن را جزوی از روال زندگی روزانه مردم روم - و نه در زیر مجموعه تحصیلات بلکه در مبحثی جدا به عنوان امری مستقل - بیان کرده است.

نمایش و تئاتر که بخش مهمی از زندگی رومیان را شامل می‌شدند چنان مقبولیت داشته‌اند که هم چون وعده‌های غذایی، برای خود جایگاه مشخص داشتند. کارکوپینو آن را در دسته بندی امور مربوط به ظهر و بعدازظهر جای داده است. (همان: ۲۴۳-۲۵۴) این دو مورد نیز با آنکه می‌توانستند زیر مجموعه مقوله اوقات فراغت قرار بگیرند اما به دلیل ملاک بودن زمان در بررسی زندگی روزانه، اینگونه مطرح شده‌اند. کارکوپینو در تقسیم بندی خود زمان زیست روزانه را الگو قرار داده و نمونه‌ای فرا روی دیگر پژوهشگران نهاده تا بتوانند مقوله بندی خود را بر مبنای خط زمانی نیز انجام دهند و بدین طریق مشکل وجود شواهد پراکنده و نظم بخشی به داده‌ها را حل کنند. به این معنا می‌توان از تعبیر «تاریخ‌نگاری زندگی روزانه بر اساس مدل روزنگاری» درباره این نویسنده استفاده کرد که به گمان ما می‌تواند یکی از مدل‌های کارآمد در وصف و شرح اجزای زندگی روزانه و ملاکی برای مقوله‌بندی دقیق و شمولگرایانه زندگی روزانه باشد.

۴.۷ مقوله بندی زندگی روزانه در کتاب زندگی روزانه در طی انقلاب فرانسه

مقوله بندی‌ای که جیمز اندرسون (James M. Anderson) در کتاب زندگی روزانه در طی انقلاب فرانسه^۹ انجام داده بیشتر به مقوله بندی دایره المعارف تاریخ اجتماعی نزدیک است و عنوان‌های بیشتری را پوشش می‌دهد.

او کارش را با فصل‌های: کرونولوژی و شرح تاثیرات مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و عمده وقایع تاریخی موثر بر انقلاب فرانسه آغاز کرده و در فصل‌های بعدی به، اقتصاد، سفر، زندگی در ورسای، لباس و مد، هنر و سرگرمی، خانواده و غذا و

تحصیلات، سلامتی، درمان و خیریه ها، مذهب، زنان، زندگی شهری، زندگی روستایی، زندگی نظامی، قانون و موضوعاتی که زندگی روزانه مردم را در قبل، حین و بعد از انقلاب تشکیل داده اند، پرداخته است.

اندرسون در فصلی با عنوان «بافتار»، زمینه های لازم برای شناخت زندگی روزانه مردم فرانسه را بیان کرده است. در همین قسمت نویسنده مقوله هایی چون جغرافیای طبیعی، جمعیت فرانسه، طبقات اجتماعی، زبان مورد استفاده مردم، اندیشه های سیاسی حاکم بر جامعه را با یک دیگر دارای پیوند دانسته و تحت یک عنوان آورده است چرا که با توجه به شرایط فرهنگی و سیاسی فرانسه، این عرصه ها در تعامل با یک دیگر بودند و منجر به تغییر در جامعه شدند و بر تاثیر در زندگی مردم تاثیر گذاردند. (Anderson ۲۰۰۷: ۲-۲۴)

در مقوله بندی بعدی، نویسنده معیشت و اقتصاد مردم را ارزیابی کرده و برنامه زندگی روزانه را بر مبنای آن پیش برده و نشان داده که کشاورزان، تجار و مردم شهر بر اساس شغل هایی که داشتند چه کارهایی در طول روز انجام می دادند. در این فصل نویسنده به صورت ناقص به مدل روزنگرانه در تاریخ نگاری زندگی روزانه نزدیک شده است. (همان : ۲۶-۴۰)

در فصل سفر به مسافران، وسایل حمل و نقل، انگیزه مسافران و تاثیر جهانگردان بر مسایل فرانسه و تاثیر پذیری آنها پرداخته و نوشته های آنها را به عنوان منبعی برای توصیف زندگی روزانه و شرح اوضاع فرانسه در گرماگرم انقلاب مرجع قرار داده چرا که در انتهای قرن هفدهم میلادی مسافرت کردن بسیار رواج داشته و نوشته های باقی مانده از این زمان نشان می دهد که سفر کردن جزئی از برنامه زندگی مردم بوده است. برخلاف کتاب زندگی روزانه در روم باستان، در این کتاب اندرسون به برنامه زندگی روزانه مردم عادی اعتنایی ندارد و صرفاً مسایل کلی غیرسیاسی جامعه فرانسه را بیان و برنامه زندگی روزانه درباریان و اشراف را وصف کرده و در سایر مقوله ها کلیت جامعه فرانسه را از لحاظ پوشش بر اساس طبقه اجتماعی شرح داده و تکیه اصلی او بر طبقه منتخب و اشراف جامعه بوده است. در مقوله های دیگر مانند هنر و تفریحات مجدداً این تاکید بر طبقه اشراف و درباریان شاه را می بینیم نه هنر و تفریحاتی که در جامعه و در میان طبقات عامه معمول بوده است.

اندرسون در مقوله تفریحات کتاب، مطبوعات، پورنوگرافی، روزنامه و نویسندگان مشهور را نیز جای داده است، چرا که کتاب خواندن خاص طبقه نخبه جامعه بود و این

روشنفکران بودند که می‌توانستند از پس هزینه خرید کتاب برآیند و فرصت مطالعه آن را نیز داشتند. (همان: ۶۲-۶۵، ۹۱-۹۸)

در این کتاب متغیر اصلی تاثیر گذار بر روند مسایل مختلف جامعه، انقلاب فرانسه در نظر گرفته شده است و هر مقوله ای به نسبت رابطه ای که با این انقلاب داشته و تاثیر و تغییری که به واسطه آن پذیرفته دسته بندی و جای گذاری شده، چرا که اندرسون انقلاب فرانسه را به عنوان متغیر اصلی در روند مسایل اجتماعی شناخته است. او در مقوله طلاق این تاثیر را به وضوح بیان کرده که با رخ دادن انقلاب زنان و مردان با راحتی بیشتری توانستند از یک دیگر جدا شوند و زنان بیشتر از مردان مایل به جدایی بودند. (همان: ۱۰۶-۱۰۹)

در مقوله بندی بعدی نویسنده خانواده، غذا و تحصیل را در یک فصل و در ارتباط با یکدیگر آورده و البته طبقه بندی اجتماعی را نیز در هر سه مقوله دخیل کرده است. در مقوله مربوط به دین نیز نویسنده علاوه بر ساختار کلیسا به راه های درآمد کلیسا و خرافات مربوط به آن که پیشتر در قسمت خانواده و داروها نیز آمده بود پرداخته است. در واقع در این دوره دین در زندگی روزانه مردم کمرنگ شد و با انقلاب فرانسه گمان اصلی بر این بود که اگر بخواهند انقلاب باقی بماند باید دین از میان مردم و زندگی آنها بیرون برود. بنابراین حالت پژوهش نویسنده و مسئله ای که به دنبال آن بوده در مقوله بندی نقش اصلی را داشته و این چیدمان را به وجود آورده است.

۵.۷ مقوله‌بندی زندگی روزانه در کتاب دین زیسته و زندگی روزانه

محقق تاریخ اجتماعی که در ایران به مسأله مقوله‌بندی اجزای زندگی روزانه توجه کرده ابراهیم موسی‌پور بشلی است. وی در کتاب «دین زیسته و زندگی روزانه» که از آغاز عصر صفوی تا پایان دوره قاجار را در بر می‌گیرد گونه‌ای از مقوله‌بندی را ارائه داده که همزمان هم مقوله‌های جمعیتی مشخص و تعریف‌شده‌ای را در بر بگیرد هم بررسی متغیر مستقل دین را در اجزای زندگی روزانه در این واحد اجتماعی ممکن سازد. در عین حال مقوله‌بندی او در این کتاب به طور خاص با توجه به نوع داده‌ها، مسأله منابع و رویکرد آنها، و از همه مهمتر تاکید بر استفاده از داده‌های راجع به مردم عادی و معمولی و نه داده‌های مربوط به خواص و نخبگان ناظر بوده است. مقوله‌بندی در این کتاب از طرفی به دنبال به دست دادن حداکثر اطلاعات نیز بوده است و در میان کتابهای مورد بررسی، مقوله‌بندی

کتاب دین زیسته در عین حال که اغلب مقوله‌های غیرروزانه را مثل ارتش، مراسم ادواری، تشکیلات سیاسی و اداری، ساختارهای شهری و آنچه را که امر استثنایی دانسته، حذف کرده است، باز مفصلترین ساختار را برای اموری که روزانه تلقی کرده، فراهم ساخته است (درباره اهمیت تقابل امر استثنایی/ غیرروزانه با امر روزانه در انتخاب مقوله‌های زندگی روزانه در این اثر، نک. موسی‌پوریشلی ۱۳۹۵: ۳۶-۳۸).

باین حال او به هیچ روی به مدل روزنگری در تاریخ‌نگاری زندگی روزانه توجهی نداشته است و حضور متغیر فعال دین در این پژوهش باعث شده که نویسنده وصف اصل زندگی روزانه را به صورت منظم و تقویمی در اولویت قرار ندهد.

او کتاب خود را به نه مقوله تقسیم کرده که در انتخاب هر نه مقوله، متغیر دین دخیل و در دسته‌بندی داده‌ها و شیوه داده‌پردازی تأثیرگذار بوده است. موسی‌پور به سبب انتخاب این شیوه خاص و چند ضلعی بناچار به تفصیل در مقدمه روش‌شناسی کتاب به موضوع مقوله‌بندی در زندگی روزانه پرداخته و به طور گذرا شیوه‌های پیشین رایج در منابع غربی را نقد کرده و توضیح داده که منطق حذف و گزینش مقوله‌ها در این اثر چه بوده است (نک. همان: ۳۶-۵۷).

اولین مقوله این اثر خانه و خانواده است. از این جهت این دو مقوله با هم ذکر شده‌اند که مولف معتقد است افراد در خانه و در کنار اعضای خانواده نخستین تعلیمات دینی را کسب می‌کنند و دیگر ارکان زندگی‌شان به خصوص در ارتباط با خانواده، مشخصا با دخالت درک خانوادگی از دین شکل می‌گیرد. مسایلی چون ازدواج، انتخاب همسر، زایمان، نام‌گذاری بچه‌ها، روابط والد و فرزند، ازدواج موقت و مرگ ... در این مقوله جای گرفته است. حتی ساخت خانه با توجه به اعتقادات دینی غالب جامعه، در این بخش آمده چرا که به هر روی اعتقادات مذهبی و سنتی در فرم خانه و شیوه معماری آنها موثر بود؛ ضمن اینکه مولف تأکید کرده است که خانه بستر و محل ظهور و بروز تمامی اجزای زندگی روزانه خانوادگی است که بخش بزرگی از مولفه‌های زندگی روزانه عمومی فرد را نیز شکل می‌دهد.

مقوله بعدی مشاغل و پایگاه‌های درآمدی است که نویسنده با توجه به متغیر دین آن را سامان داده است. در دوران زمانی مورد بحث، دین در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی و فردی افراد عنصری دخیل بوده و در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی قرار داشت. دین هم در پدید آوردن و هم در کنترل مشاغل و درآمدهای مردم جایگاهی قابل توجه داشت. در

مقوله‌بندی این مشاغل یک مشکل اساسی مربوط به درآمدهایی بود که از یک شغل تعریف شده و مشخص حاصل نمی‌شدند ولی انبوهی از داده‌های تاریخی در این زمینه در بافتار اجتماعی - تاریخی مورد پژوهش وجود داشتند که به نوعی به موضوع درآمدها ناظر بودند. ابتکار مولف برای از دست ندادن این داده‌ها و استفاده از آنها در این مبحث آن بوده که با تعریف مقوله‌ای جنبی تحت عنوان تازه «پایگاههای درآمدی»، داده‌هایی را که از درآمدهای مبتنی بر زیست در یک فرهنگ دینی حکایت می‌کردند در ذیل مقوله مشاغل قرار دهد و از این رو «مشاغل و پایگاههای درآمدی» در این اثر به عنوان یک مقوله اصلی سامان یافته است. در ذیل این مقوله عمده، ابتدا مشاغل و پایگاههای درآمدی دینی (مشاغل دین‌آورد مثل شغل موذنی که مستقیماً اسلام آن را به وجود آورده) و سپس مشاغل و پایگاههای درآمدی دین‌پرورد (که دین آنها را به نوعی تغییر داده یا در آنها الزامات جدیدی اعمال کرده یا آنها را بر اساس موازین شرعی تحت کنترل قرار داده) دسته‌بندی شده‌اند. با این مقوله‌بندی شمولگرا حتی تاثیر غیرمستقیم متغیر دین در درآمدها (مثلاً از طریق ایجاد پرستیژ اجتماعی) هم لحاظ شده است. (همان: ۱۲۳-۱۵۱)

در مقوله تغذیه و عادات غذایی نیز مولف شیوه خاصی از مقوله‌بندی را به کار برده است که در آن نه غذاها بلکه اجزای فرهنگی مرتبط با تغذیه و رفتارهای غذایی در این مقوله جای بگیرند. همچنین در این مقوله‌بندی، سنتها و جشنها و مراسمی که در آنها غذاهای خاصی استفاده می‌شود یا در آنها رفتارهای تغذیه‌ای دچار تفاوتی می‌شوند، به جای آنکه در مقوله‌ای مستقل بررسی شوند، در ذیل مقوله واحدی جای داده شده‌اند. با این روش که در سایر بخشهای این کتاب نیز اعمال شده، مولف توانسته است داده‌های انبوه راجع به چهار قرن را در یک گزارش فشرده عرضه کند بدون آنکه دچار تفصیل و اطناب شود.

همچنین با توجه به متغیرهای دخیل در این پژوهش، در این اثر ماه رمضان در این فصل، صرفاً به مثابه یک بافتار زمانی دیده شده که در آن نوع خوراک و نوع رفتار تغذیه‌ای مرتبط باید مورد بحث قرار بگیرد نه اینکه مستقلاً ماه رمضان و آداب و رسوم آن به صورت یک مقوله تعریف شود. در واقع چون مدل روزنگری یا اصولاً خط زمانی روزانه یا سالانه در این اثر مورد نظر مولف نبوده، هیچ‌کدام از ماههای تقویم دینی یا هیچ‌کدام از مراسم و سنتهای دینی به صورت مقوله‌ای مستقل لحاظ نشده‌اند. به این ترتیب یک مولف دیگر می‌تواند همین داده‌ها را با توجه به یک تقویم زمانی (چه دینی چه عرفی) در قالب

مقوله‌بندی دیگری بازآرایی کند البته در صورتی که قرار نباشد که نقش دین در هر یک از این عناصر زندگی روزانه‌ای بررسی شود ولی با توجه به حضور دو متغیر دین و زندگی روزانه در این پژوهش در تمامی فصلها از رعایت تقویم سالانه و مدل روزنگرانه اجتناب شده است.

در بحث پوشاک با عنوان «پوشاک و آرایش ظاهری» نیز دقیقا مثل فصلهای پیشگفته، مولف از نظام یکسان و منسجمی تبعیت کرده و علاوه بر برخی از اجزای مادی فرهنگ پوشاکی یعنی لباسهای مختلف، خرده فرهنگ پوشاکی و به طور کلی مفهوم‌پردازی ظاهر را در بستر و بافتار دینی ایرانی به صورت یک‌کاسه در مقوله‌ای تحت عنوان «پوشاک و آرایش ظاهری» سامان داده است تا به این ترتیب ضمن صرفه‌جویی و پرهیز از تفصیل، حداکثر داده‌ها را در تحلیل خود دخیل کند.

بومی‌گرایی و اهتمام به بافتار تاریخی - جغرافیایی - فرهنگی و انتخاب مقوله‌بندی‌ای متناسب با زمینه و زمانه ایرانی صفوی - قاجاری در این بخش نیز در مقوله‌بندی او دخالتی آشکار داشته است. مثلا درحالی که مسأله حجاب در یک تحقیق عادی راجع به پوشاک نه ذیل فرهنگ مادی قرار می‌گیرد و نه ذیل فرهنگ مستقل پوشاکی، (بلکه مشخصا یک عنصر دینی است که در بافتار رفتار پوشاکی عاملیت یافته) در روش مقوله‌بندی مولف دین‌زیسته، در ذیل مقوله پوشاک و آرایش ظاهری قرار داده شده است از آن رو که اولاً نمی‌توان حجاب را فی‌نفسه در زندگی روزانه در مقوله مستقلی قرار داد و دوم اینکه حجاب، خود از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز کارکردهایی دارد که اگر در مقوله پوشاک در زندگی روزانه دیده نشود، قابل تعریف در چارچوب مفهومی مستقلی در بافتار زندگی روزانه‌ای نخواهند بود مثلا تولید و فروش انحصاری البسه اسلامی که به همین منظور در دوره قاجار یک شرکت با مشارکت برخی از علمای بزرگ در این زمینه تاسیس شده بود را نمی‌توان به نحو دیگری در ذیل چارچوب زندگی روزانه مطالعه کرد بلکه این موضوع باید در تاریخ اقتصادی ایران بررسی شود با این حال با این شیوه مقوله‌بندی، حجاب و اجزا و تبعات آن به صورتی قابل تعریف در چارچوب زندگی روزانه در آمده‌اند.

همچنین موسی‌پور در این اثر برخلاف نمونه‌ای مثل زندگی روزانه فرانسوی، روی اجزای پوشاکی خاص تمرکز نکرده است چون هدف اول او این اجزای مادی نبوده‌اند در حالی که در تحقیق راجع به زندگی روزانه در فرانسه قرن هیجدهم، که در آن متغیر دومی در کار نیست، اولویت با مطرح کردن اجزای مادی پوشاکی اعم از لباسهای روی مردانه و

زنانه و حتی کلاه‌گیسها بوده است. با این حال در دین زیسته در قسمت آرایش ظاهر داده‌های راجع به ریش و سبیل و موی سر و شیوه‌های آراستن آنها در مقوله‌بندی لحاظ شده‌اند.

در مقوله بهداشت و درمان نیز تاثیر زمینه بومی ایرانی در شیوه مقوله‌بندی مولف بسیار روشن است. با توجه به ساختار فرهنگی ایرانی در آن دوران، مولف بهداشت و درمان را یک موضوع علمی محض تلقی نکرده و در این بخش به جای اینکه دیدگاههای پزشکی، شیوه‌های تشخیص، روشهای درمان و داروها را ذیل یک مقوله قرار بدهد، با توجه به متغیر دین، داده‌هایی را که جهان طبیعی اطراف انسان ایرانی عصر صفوی-قاجاری را شکل می‌دهد (جهان زیسته) را با توجه به مفهوم سلامتی و بیماری در ذیل مقوله بهداشت و درمان قرار داده و مثلاً از نگرش دوجنبه‌ای ماوراء الطبیعی و عرفی به مفهوم سلامت و درمان حرف زده است. نویسنده در مقوله بهداشت و درمان از اعتقاد به موجودات ماورا الطبیعه در فرهنگ دینی و باورهای عامیانه نیز یاد کرده است.

جالب اینکه در این اثر موضوع حمل و نقل اجساد به اماکن مقدس در ذیل بهداشت و درمان مقوله‌بندی شده است. اصولاً در روش موسی‌پور در مقوله‌بندی، گاه برخی داده‌ها بسته به هدف نویسنده و جایگاهی که در روند مسایل اجتماعی دارند در چند مقوله جای می‌گیرند اما حیثیت و شان قرار گرفتن آنها در مقوله‌های مختلف به صورت جداگانه توضیح داده شده است. (همان: ۲۴۲-۲۴۴) مثلاً حجاب، که از یک حیث، در مقوله پوشش ذکر آن رفته بود در بهداشت و درمان نیز با توجه به مسایلی که برای پزشکان به وجود می‌آورد مجدداً مطرح گردید. اوقاف نیز علاوه بر بحث درآمد و اشتغال، در بحث بهداشت و درمان نیز مطرح شده چرا که نهادهای وقفی بخش مهمی از زیرساخت بهداشتی و درمانی ایران را تشکیل می‌دهد (حمامها، و بیمارستانهای وقفی). مورد بعدی که هم در بحث بهداشت آمده و هم در مقوله مسافرت و هم در مشاغل و پایگاه‌های درآمدی، موضوع حمل و نقل اجساد به اماکن مقدس است. این کار علاوه بر حضور در مقوله مسافرت به سبب اینکه ماهیتاً از جنس حمل و نقل بوده است، از نظر بهداشتی پدیده‌ای خطرناک بوده و گزارش‌های بسیار درباره خطرات شیوع وبا و طاعون به این طریق وجود دارد. حجم و تکرر این نوع از حمل و نقل خود از این حیث که به مثابه یک شغل درآمدی بود، آنها را برای قرار گرفتن در مقوله مشاغل و پایگاه‌های درآمدی نیز تعریف پذیر ساخته است.

مقوله مسافرت و حمل و نقل هرچند که در نگاه اول نه مقوله‌ای دینی است و نه مقوله‌ای از جنس زندگی روزانه، در این اثر آمده و خود مقوله مستقلی را تشکیل داده است. تاثیر مستقیم و غیرمستقیم مولفه‌های دینی در فرهنگ سفر، تعیین مسیرهای عمده مسافرت در ایران، تغییرات آنها، شیوه سفر بر اساس مولفه‌های شرعی به ویژه درباره سفر زنان و انبوهی از آداب و مناسک قبل، حین و بعد از سفر که در بافتار دینی مفهوم‌پردازی شده‌اند، دلیل قرار گرفتن سفر در این پژوهش بوده‌اند (همان: ۲۴۵-۲۵۹) و از طرفی با دقت در میزان و زمان سفرها، و اینکه افراد در تمام طول سفر بخش عمده‌ای از سلسله کنشهای زندگی روزانه‌ای متداول در زمان عادی را هم معمول می‌داشته‌اند، عملاً سفرها را باید در مطالعه‌ای راجع به زندگی روزانه ایرانیان آن دوران، مقوله‌ای روزانه تلقی کرد.

مقوله اوقات فراغت هم در نگاه اول و بدون در نظر گرفتن متغیر دین و مهمتر از آن با توجه به افق زمانی این مطالعه، نباید در این اثر قرار بگیرد ولی مولف با بازتعریفی از شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایرانیان دوره صفوی - قاجاری، و نقد برخی دیدگاههای موجود، ابتدا اوقات فراغت را بر اساس فرهنگ بومی و سنتی ایرانی تعریف کرده و سپس داده‌های راجع به تفریح، سرگرمی، ورزش و شوخی، برپایی اعیاد و مراسم مختلف چون عید نوروز، عید قربان، نقالی و قصه‌گویی، ورزش، بازی‌ها و مسابقات را در این مقوله چیده است؛ در این مقوله موسیقی به جای آنکه در ذیل بحث هنر مطرح شود در ذیل اوقات فراغت مقوله‌بندی شده ظاهراً از این جهت که قصد مولف به دست دادن گزارش مستقلی از زندگی روزانه نبوده است که هنر و مشخصاً موسیقی را بتوان به مثابه امر روزانه در آن تعریف کرد؛ بلکه با توجه به متغیر دین مسایل و کنترلهایی که متغیر دین در قبال این جنبه از کارکرد موسیقی در زندگی روزانه داشته، مد نظر بوده است؛ وگرنه در هر گزارشی از صرف زندگی روزانه مردم ایران نمی‌توان هنر و در این مورد، موسیقی را به صورت مقوله‌ای تابع و فرعی تلقی کرد به این سبب که هنر همواره در زندگی روزانه مردم ایران حضور و بروزی وسیع و آشکار داشته است. به همین سان دخانیات و مواد مخدر نیز به صورتی تبعی و فرعی در مقوله اوقات فراغت و تفریحات آمده و از این نظر کار مولف به روش رودی مته (Rudi Matthee) در کتاب در جست و جوی لذت^۱ نزدیک است که دخانیات و مواد مخدر را به عنوان مکئیفات مقوله‌بندی کرده است. (Matthee ۲۰۰۵: ۹۷-)

جالب آنکه مولف با سختگیری روش‌شناسی ویژه‌ای برخی ریزمقوله‌ها مثل مراسم عزاداری محرم و زیارت اهل قبور را از این حیث که فرصتی برای پرکردن اوقات فراغت به ویژه برای زنان بوده‌اند، در این مقوله قرار داده است. بنا بر یک اصل در مطالعات تاریخ اجتماعی (توصیف غلیظ (Thick description)؛ نک. فربرن ۱۳۹۴: ص ۲۹۶-۲۹۸)، درک خود مردم مورد مطالعه از پدیده‌ها برای مولف در اولویت است و در این مقوله‌بندی نیز مولف با به دست دادن ارجاعات متعدد نشان داده که منطق این شیوه از چیدمان در مقوله‌بندی عنوانهای اوقات فراغت چه بوده است.

در فصل زبان و نشانه‌شناسی روزانه نیز مختصات بومی ایرانی به روشنی دیده می‌شود. نویسنده زبان را بارزترین زمینه ظهور و بروز آموزه‌های دینی در بافتار غیردینی زندگی روزانه می‌داند و از این رو عبارات دینی را از حیث دلالت‌های غیردینی‌ای که در جریان زندگی روزانه مردم دارند مطالعه کرده است. سختگیری مولف در این مقوله‌بندی باعث شده است که دلالت‌های دینی اوراد و اذکار دینی به کلی از این تحقیق کنار گذاشته شود تا به صورت خالص، نقش متغیر دین در اجزای غیردینی زندگی روزانه مورد مطالعه قرار بگیرد. در واقع وی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران امر مقوله‌بندی و جای‌گذاری داده‌ها را انجام داده است. شاید بسیاری از مورخان بررسی زبان را ضروری ندانند اما با توجه به فرهنگ ایرانی که گفتگو در آن امری جدایی‌ناپذیر از تعاملات اجتماعی و حتی فردی زندگی روزانه است، لازم دیده شده که فصلی جدا به آن اختصاص داده شود.

همچنین در فصل محیط زیست ابتدا مولف نشان می‌دهد که چه‌گونه چنین موضوعی که در جوامع پیشاصنعتی، در شمار مقوله‌های اجتماعی نبوده، در این تحقیق به صورت یک مقوله مهم در سرفصل‌های مطالعاتی قرار داده شده است. در این اثر محیط زیست در واقع به مثابه زیست‌جهان مادی یا بخشی از این زیست‌جهان بازتعریف شده و در این قالب، نقش دین در برخی اجزای این زیست‌جهان طبیعی بررسی گردیده است نه آنکه ارزشها و هنجارها و گفتمانهای زیست‌محیطی رایج در جهان امروز با همان تعریف متداول امروزی به افق زیستی عصر صفوی-قاجاری تحمیل شود.

به طور کلی موسی‌پور در پژوهش خود مقوله‌بندی متعارف رایج در تاریخ اجتماعی زندگی روزانه را به صورتی شمولگرا مد نظر داشته است اما در مقوله‌بندی‌اش عواملی چون متغیر گزینش‌شده (نقش دین در زندگی روزانه غیردینی)، محدودیت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی

و داده‌های باقی مانده و همچنین تعهد خودخواسته روش‌شناختی مولف (در ابتدای گزارشش به داده‌های مربوط به مردم عادی و معمولی و نه داده‌های راجع به شاهان و خواص)، درک هم‌دلانه از مردمان مورد مطالعه و اهمیت دادن به ذهنیت آنها، اعتقاد به وجود ذهنیتی بومی و سستی از برخی مقوله‌ها که ظاهراً در جهان جدید به مساله یا به مقوله اجتماعی تبدیل شده‌اند (مثل محیط زیست)، بازتعریف برخی مقوله‌ها، کشف یا اهمیت دادن به برخی جنبه‌های متفاوت از برخی پدیده‌ها (مثلاً کارکرد اقتصادی حجاب یا جنبه اوقات فراغتی زیارت اهل قبور)، نحوه مقوله‌بندی او را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهاد مدل مقوله‌بندی روزنگرانه

در این مطالعه و با توجه به نمونه‌های ذکر شده به خصوص نمونه آخر که در ایران صورت گرفته است می‌توان گفت تاریخ‌نگاران با توجه به رویکرد خود در پژوهش و حالت پژوهش، مقوله‌بندی خود را انتخاب می‌کنند. گاه مقوله‌بندی‌ها می‌توانند در کلیت یکسان باشند اما زمانی که به دسته‌بندی‌های خردتر و ریزداده‌ها می‌رسند، تفاوت‌های آنها آشکار می‌شود. چنانکه مورخ ایرانی به داده‌هایی دسترسی دارد که شاید مورخ اروپایی به آن توجه نکند یا در زندگی اجتماعی مردم گذشته او تاثیر گذار نبوده است یا بالعکس. مانند نقشی که تئاتر و نمایش در زندگی روم باستان داشت و به عنوان فصلی جدا در پژوهش جورج کارکوینو آمده بود اما در اثر موسی‌پور آن را ذیل بحث اوقات فراغت آن هم به صورت مختصر می‌بینیم. نمونه‌های این تفاوتها که ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی متفاوت جوامع هستند و در داده‌های باقی مانده بازتاب یافته‌اند، بسیارند.

بنابراین با توجه به سوالات پژوهش می‌توان گفت مورخان هر کدام با تکیه بر متغیرهای انتخابی در بررسی دوره‌های مختلف داده‌ها را سامان می‌دهند و در یک گروه می‌گذارند و گاه با توجه به شرایط فرهنگی و تاریخی لازم می‌بینند تا داده‌ها را خلاف مقوله بندی رایج در گروهی جدا یا ادغام شده قرار دهند. بسته به اینکه در دوران‌های مختلف کنش‌های اجتماعی مردم چه معنا و مفهومی داشتند مورخ موظف می‌شود تا متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای همان جامعه الگوی خاص مقوله بندی آنرا تعیین کند و بنابراین نسخه‌ای یکسان برای بررسی تاریخ اجتماعی ملل متفاوت با مقوله بندی یکسان نمی‌توان پیچید.

پیشنهاد این پژوهش، ارائه طرحی متفاوت و نو برای مقوله‌بندی در تاریخ اجتماعی زندگی روزانه در ایران و با توجه به شرایط تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و داده‌های تاریخی باقی‌مانده در منابع ایرانی است. به گمان ما اگر هدف پژوهش، به دست دادن یک گزارش مستقیم از نفس زندگی روزانه در یک مقطع تاریخی و مکانی مشخص باشد، بهترین شیوه مقوله‌بندی آن است که با روایتی روزنگرانه متناسب و هماهنگ باشد به این نحو که داستان جزء به جزء یک زندگی روزانه مشخص یا فرضی را بر اساس داده‌های موجود و قابل اعتماد، در طول یک شبانه‌روز نوعی روایت کند.

در پژوهش انجام شده ما با نام *زندگی روزانه در جامعه شهری دور دوم صفوی* که رساله دکتری نویسنده است، مقوله‌بندی بر اساس مدل روزنگرانه یعنی با توجه به زمان‌بندی روز، از صبح تا شب، صورت گرفته است. در این روش، محدودیت دینی و مذهبی یا هیچ قید دیگری برای بررسی رفتارهای افراد در طول روز وجود ندارد. نویسنده معتقد است علاوه بر پژوهشهای پیشین و شیوه‌هایی که برای مقوله‌بندی انتخاب شده‌اند، می‌توان بر این اساس که زندگی روزانه یعنی زندگی یک شبانه‌روز یک فرد - انسان نوعی (تیبیکال) اصفهان عصر صفوی (با توجه به قید زمان و مکان) - هم مقوله‌های مختلف را انتخاب و آنها را بر اساس مدل روزنگرانه بررسی کرد.

نویسنده در صدد است انسان نوعی اصفهان عصر صفوی را برای یک روز بررسی کند. وقتی می‌گوییم نوعی یعنی انسان معمولی که در یک روز معمولی در اصفهان روز را به شب می‌رسانده است. وقتی می‌گوییم نوعی یعنی او را از شاهزاده، امرا و اشراف جدا می‌کنیم. او از خواب بیدار می‌شود، صبحانه می‌خورد، زن و بچه دارد، سرکار می‌رود، ناهار می‌خورد، مهمانی می‌رود، با غیرمسلمان و مسلمان رابطه دارد، شاید شراب می‌خورد، تریاک می‌کشد و در مکان‌های مختلف حضور پیدا می‌کند.

در این میان استثنائات نیز ذکر می‌شود که زن‌ها چه می‌کنند چون داده‌ها بیشتر مردانه هستند، افراد مرفه چه می‌کنند و مسیحیان چه می‌کنند. از لحاظ زمانی نیز بر روی خط زمان هم برش عرضی می‌زنیم و هم برش طولی به طور مثال بررسی می‌کنیم که مراسمی که در بهار با محرم همزمان شده است چه تفاوتی با همان مراسم در حالت معمول آن دارد. به طور کلی این روش تلفیقی ابتکاری از روش مقوله‌بندی کتاب تاریخ زندگی روزانه در طی انقلاب فرانسه و دین زیسته و زندگی روزانه خواهد بود.

علاوه بر موارد ذکر شده، شواهد پراکنده ای نیز وجود دارند که باید بر حسب ویژگی مشترکی که می توانند با هر مقوله بیابند جای گذاری شوند. این شیوه از مقوله بندی از جهت اینکه دست مورخ را برای استفاده از داده های محدود تاریخ اجتماعی باز می گذارد مفید است؛ چرا که داده های تاریخ اجتماعی به صورت کلی کم هستند و منابع زیادی به آنها نپرداخته اند. اضافه کردن هر تغییری به این داده ها می تواند دامنه ی عمل مورخ را محدود و دسته ای از داده ها را حذف کند.^{۱۱}

حوزه پژوهش زندگی روزانه در تاریخ ایران جای کار بسیاری دارد اما نبودن الگوهای درست برای شروع، ورود به این عرصه را سخت و چالش برانگیز کرده است؛ چرا که خود مقوله بندی یکی از اولین و سخت ترین گام ها در این دست از تحقیقات است که هنوز نمونه کارهای انجام شده به فارسی برای آن بسیار بسیار اندک اند.

امید می رود با ترجمه آثار مطرح و انجام پژوهش های بیشتر این راه هموارتر گردد، چرا که گام مهم در تاریخ اجتماعی شناخت مقوله های اجتماعی، دسته بندی آنها متناسب با اهداف پژوهش، شرایط اجتماعی دوره تاریخی مورد بررسی و نحوه تقسیم و جای گذاری داده ها در مقولات انتخاب شده است. اگر مقوله بندی در پژوهش های تاریخی به درستی انجام بگیرد برآیند مطالعات مدون تر، منظم تر و دقیق تر خواهند بود و مشکل کارهای بی شکل با عنوان تاریخ اجتماعی که تنها شامل داده های پراکنده غیر سیاسی در حوزه تاریخ اند تا حدودی حل خواهد شد.

پی نوشتها

۱. در جامعه شناسی بنا بر نظر هولستی مقوله بندی نوعی تقسیم بندی و تفکیک متن به قطعات یا بخش های مجزاست. مقوله هایی که محتوای متن بر آنها تقسیم شده و در آن قرار می گیرد و بر حسب ماهیت داده ها و هدفهای تحقیق تعیین می شوند برای اطلاعات بیشتر نک

(Holsti, ole. 1969, Content Analysis for the Social Sciences and Humanities. Reading, mass, Wesley. P95)

در تعریفی دیگر مقوله بندی، توانایی بشر در تشخیص شباهت و تفاوت بین امور و قراردادن امور مشابه در یک گروه است. مقوله ها پدیده هایی با مرزی منطقی اند. (نک روشن و ادیبلی، ۱۳۹۲، مقدمه ای بر معناشناسی شناختی، تهران، نشر علم، ۹۳)

در فلسفه و از نظر ارسطو مقولات یا فاطیغوراس یا کاته گوریا، تعبیری است که او به کار می‌برد. او در رساله مقولات، مقولات را از دیدگاه زبان‌شناختی و منطقی مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهد، زیرا باب تعریفات در منطق به مقولات نیازمند است و ما برای تعریف اشیاء باید اجناس، فصول و نیز اعراض شیئی را دقیقاً شناسائی کنیم و اینکار مستلزم طرح مقولات می‌باشد، بنابراین، منظور ارسطو از بحث زبانی مقولات، طبقه‌بندی اشیای خارجی و تعیین جنس و فصل و اعراض آنهاست. ارسطو نمی‌خواهد صرفاً بحثی زبان‌شناسانه و منطقی ارائه دهد، بلکه مقولات برای ارسطو هم کاربرد منطقی دارند و هم کاربرد فلسفی. نک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی، ج ۱، فصل ۲۸، ص ۳۲۱ و محمدعلی فروغی، سیر حکمت در اروپا، انتشارات البرز، ص ۳۲۹

۲. در این تعریف زندگی روزانه، از جمله شامل مطالعه انواع خوراک، نحوه تولید و فراوری غذاها، سلیقه و ترجیحات و امتناعات و به‌طور کلی فرهنگ تغذیه‌ای مردم، پوشاک و تنوعات آن و فرهنگ پوشاکی، آرایش ظاهر، صنایع و مشاغل و اصناف، ادوات و اشیاء و ابزارهای کار و نیز اسباب زندگی روزانه، اوقات فراغت و سرگرمی‌ها، بازی‌ها و ورزش‌ها و مسابقات، نظام خانواده و برنامه‌های خانه، بهداشت روزانه و جز آن‌ها می‌شود (نک. موسی‌پور بشلی، ۱۳۸۶: ۴۰).

۳. اصل این عرف را می‌توان به عوامل بسیاری نسبت داد. یکی از آنها دیدگاهی پرسابقه و غالب در علوم انسانی و اجتماعی است که بیان می‌کند تاریخ، به خصوص تاریخ اجتماعی رشته‌ای یکه‌نگار است نه قانون‌بنیاد. یکه‌نگاری به امور جزئی، افراد جزئی و حوادث جزئی می‌پردازد. در مقابل، اصطلاح قانون‌بنیاد دال بر توجه به امور کلی است (نک. فربرن، ۱۳۹۴: ۲۴).

۴. برای اطلاعات بیشتر نک

Aries, Philippe, (۱۹۶۲), Centuries of Childhood: A Social History of Family, translated from the french by Robert Baldick, New York, McGraw

۵. مقوله‌بندی انجام شده در دایره المعارف تاریخ اجتماعی اینگونه است: هنر و معماری؛ کودکان، مصرف، جرم و انحرافات اجتماعی و بیماری، فرهنگ و باور، اقتصاد، تحصیلات، خانواده، جنسیت، ارتباطات میان رشته‌ای، اوقات فراغت، زندگی شخصی و سکس و احساسات، تحرکات جمعیتی، اعتراضات، بهداشت و سلامت عمومی، نژاد و قومیت، جوتکع شهری، ساختار اجتماعی، دولت و جامعه، شهرنشینی، جنگ، کار نک؛ Peter, Stearns, (۱۹۹۴)،

Garland Publishing, New York, Encyclopedia of Social History

6 Kia, Mehrdad, (۲۰۱۱), Daily life in the Ottoman Empire, California Greenwood, The Greenwood Press daily life through history series

- 7 Lane, George, (۲۰۰۶), Daily life in the Mongol empire, California, Greenwood, The Greenwood Press daily life through history series
- 8 Carcopino Jerome, (۱۹۴۱), Daily life in Ancient rome translated from the french by E. O. Lorimer, London, Penguin books
- 9 Anderson James M, (۲۰۰۷), Daily life during the French Revolution, California, Greenwood, The Greenwood Press daily life through history series
10. Mathee, Rudi, (۲۰۰۵), The pursuit of pleasure drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900, Princeton University Press

۱۱. بر اساس مطالب گفته شده مقوله بندی پژوهش ذکر شده به این صورت است که در فصل اول وقایع سیاسی عصر صفوی به صورت مختصر و بر روی خط زمان نشان داده خواهند شد. در فصل بعد کلیات روش شناسی کار ارائه می شود. در فصل سوم و با توجه به اهمیت جغرافیا در زندگی روزانه این عامل مهم در دوشاخه انسانی و طبیعی بررسی می شود. در فصل بعد زمینه های تاثیر گذار فکری بر نحوه زندگی روزانه و کنش افراد، همچون فرهنگ، باور و مذهب مورد ارزیابی قرار می گیرند. در ادامه مقولات از زندگی اجتماعی مطرح شده و مصادیق آنها با توجه به معیارها و اهداف نویسنده از پژوهش آورده می شوند. که به این شرح می باشند اعتقاد و باور مردم به شاه؛ اخلاق و اخلاقیات؛ مرگ و میر و آداب آن؛ انحرافات اجتماعی و کنترل اجتماعی، خانواده؛ کتاب و کتاب خوانی؛ پوشاک؛ اوقات فراغت. زیر مجموعه هر کدام نیز با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان و نگرش مولف موضوعی آمده چنانکه در ذیل کتاب و کتابخوانی، تحصیلات. رابطه ی جنسی به عنوان مقوله ای جدا از خانواده بررسی شده است چرا که تمام روابط جنسی در چارچوب خانواده شکل نمی گرفتند. پس از این فصل به مفهوم زمان، زمان بندی و تقسیم روز در دوره صفوی پرداخته خواهد شد و در آخر یک روز زندگی در اصفهان عصر صفوی از زبان یک فرد تیبیکال اصفهانی و با تکیه بر روش توصیف غلیظ، شرح داده خواهد شد.

شیوه ارجاع به این مقاله

هنرمندی، ندا و محمد علی رنجبر (۱۳۹۹)، «مسأله مقوله بندی در مطالعات تاریخ اجتماعی زندگی روزانه»، دوفصل نامه علمی - پژوهشی تحقیقات تاریخی اجتماعی، س ۱۰، ش ۲.

doi: 10.30465/shc.2021.33857.2169

کتاب‌نامه

- روشن، ب و اردبیلی، ل (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر معنانشناسی شناختی، تهران: نشر علم
- فرین، مایلز (۱۳۹۴)، تاریخ اجتماعی مسائل، راهبردها و روش‌ها، ترجمه ابراهیم موسی پور و محمد ابراهیم باسط، تهران: سمت
- محمدعلی فروغی (۱۳۳۷)، سیر حکمت در اروپا، تهران: انتشارات البرز
- کاپلستون، تاریخ فلسفه (۱۳۸۸)، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی‌وی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- کنفینو، آلن (۱۳۹۴)، تاریخ اجتماعی دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه و گردآوری: ابراهیم موسی پور و محمد ابراهیم باسط، تهران: سمت
- موسی پور بشلی، ابراهیم (۱۳۹۵)، دین زیسته و زندگی روزانه، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام

- Anderson James M (۲۰۰۷), *Daily life during the French Revolution*, California :Greenwood , The Greenwood Press daily life through history series
- Brown, peter (1982), *The Body And Society*, New York, Columbia university press
- Butler , Jon (2008), *New World Faiths* , New York: Oxford University Press
- Carcopino Jerome (۱۹۴۱), *Daily life in Ancient rome* translated from the french by E. O. lorimer ,London : Penguin books
- Carlyle, thomas (2001), *On Heroes, Hero Worship and the Heroic in History*, london: The Electric Book company
- Eckert, andreas (2002), *Historical Writing about everyday life*, Volume 15, Number 1, Journal of African Cultural Studies, pp .5-16
- Holsti, ole (1969), *Content analysis for the social sciense and humanities*. Reading, mass, wesley, London: longman
- Kia, Mehrdad (۲۰۱۱), *Daily life in the Ottoman Empire*, California :Greenwood, The Greenwood Press daily life through history series
- Lane, George (۲۰۰۶), *Daily life in the Mongol empire* , California: Greenwood, The Greenwood Press daily life through history series
- Matthee .Rudi (۲۰۰۵), *The pursuit of pleasure drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900* ,New Jersey : Princeton University Press
- Stearns. Peter (1994), *Encyclopedia of Social History* ,New York: Garland Publishing